

کیفیت زیبایی در نقاشی‌های ایران

از : ژورنس بینینگ در بررسی هنر ایران
ترجمه نوشین نفیسی

نقاشی ایرانی یکی از بزرگترین مکتب‌های هنر آسیائی است که قراردادهای مشترک با هنر نقاشی هندی، چینی و ژاپونی دارد ولی دارای کیفیت خاص و جاذبه منحصر نیز می‌باشد. حدود آن روشن است و بواسطه همین حدود هدف خود را با درستی شگفتی دنبال کرده است. پاره‌ای از این حدود از خارج بآن تحمیل شده و برخی دیگر را هنرمند بطیب خاطر انتخاب کرده است. هنر نقاشی را در ایران منحصر به مینیاتورسازی یعنی مصورنمودن کتاب‌های خطی میدانند - زیرا نقاشی‌های دیواری بیشتر از میان رفته و فقط از راه مینیاتورها است که ما در مغرب‌زمین میتوانیم درباره صفات فرآورده‌های نقاشی ایران داوری کنیم. نقاشی دیواری از همان اوان که در هندوستان مرسوم شد در ایران در زینت دیوار قصرها بکار رفته و آن از اسناد ادبی و بقایای کمی که تاکنون از زمان ساسانیان و اشکانیان برجای مانده مشهود است. این سنت حتی در دوران اسلامی نیز برجای ماند گرچه بعلت تعصب مذهبی بیشتر به تزئین حمام‌ها و خانه‌های شخصی منحصر شده بود. از کاخهای متعددی که چنین تزئین شده عده‌ای هنوز باقیست، قصر چهل‌ستون و عالی‌قاپو نقاشی‌هایی دارد که هنوز قابل مطالعه است، گرچه در چهل‌ستون بیشتر آنها را با نقاشی‌های جدیدتر پوشانده‌اند. نقاشی‌های دیگری نیز در کاخ اشرف و حجره‌های پل‌های اصفهان و با چند خانه شخصی در جلفا باقی مانده است.

آنچه تاکنون کشف شده فقط اشاره بافتخارهای گذشته است که یکسره از میان رفته همانطوریکه تنها در عالم خیال فرسنگ‌های (نقاشی دیواری) زیبای سلسله تانگ را در چین میتوان دید - در ایران هیچگونه نقاشی که از نظر اندازه حداقل میان نقاشی‌های دیواری و مینیاتور کتاب‌ها باشد وجود ندارد - گرچه باید بگوئیم که اندازه بیشتر نقاشی‌های دیواری نیز کوچک است (۶۰×۷۵ سانتیمتر).

باین سبب در اینجا هم خود را صرف تحقیق در مینیاتورسازی میکنم که مهمترین مدرک برجای مانده ما را تشکیل میدهد. شریعت اسلام که ساختن اشکال را تجاوز به امتیاز ویژه خالق متعال میدانند، هرگز نتوانست غریزه و استعداد هنری ایرانیان را پایمال کند. و شاهزادگان ایرانی در پشتیبانی از هنرمندان هیچ تردیدی نداشته‌اند. گرچه این مطلب مانع از پیدایش هنر عامه که بین‌ایده‌آلهای مردم باشد گردید - چون خوشنویسی را با ارزشترین هنرها میدانستند بنابراین طبیعی بود که کتاب بعنوان بهترین وسیله برای نشان دادن هنر نقاشانیکه در خدمت شاهزادگان بودند برگزیده شود.

در نسخه‌های خطی دوران سلجوقی (تصویر ۱-۲-۳) نقاشی بر روی صفحه‌ی کتاب مستقیماً انجام میگرفت ولی بعد از حمله مغول که سبک ایرانی با ترکیب عوامل متعددی بهترین صورت خود در آمد رسم بر آن شد که نقاشی‌ها را بر روی برگ کاغذ جداگانه تهیه میکردند و سپس

بر روی قسمتی از صفحه‌ی کتاب که نانوخته می‌گذاشتند می‌جسباندند گرچه در فضای بسیار کوچک طراحی می‌کردند ولی قادر بودند چنان طرح کاملی بکشند که اگر آنرا در زیر ذره‌بین باندازه یک فرسنگ بزرگ کنند هیچگونه کمبود نداشته باشد - ظاهراً سنت نقاشی دیواری غیر اداری در نسل نقاشان باقیمانده بود .

در قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) کمپوزیسیون‌های وسیعی دیده میشود . گاهگاهی نقاش خود را محدود به شرایطی که کتاب باو تحمیل نموده نکرده است و شاخه‌های درخت و یا نیمه از کوه و صخره از متن خارج شده و در حاشیه قرار گرفته است . (تصویر ۴) مینیاتورسازی همیشه یک هنر تزئینی باقیمانده زیرا برای نشان دادن بُعد سوم هیچ گونه کوششی در آن نکرده‌اند ولی از نظر وسعت اغلب رابطه خود را با صفحه کتاب حفظ کرده است .

«موضوع آن» محدودیت دومی است که از خارج بآن تحمیل شده است گرچه داستانهای



شکل ۱- مکتب سلجوقی
قرن هشتم هجری

مربوط به حضرت محمد و پیامبران دیگر عیسی و موسی و سایر قهرمانان طایفه یهود را اغلب ترسیم کرده‌اند ولی نقاشی مذهبی بآن معنا که جلسه عبادت داشته باشد وجود نداشته است . شریعت اسلام چنین هنری را منع کرده است . نزدیکترین مرحله به نقاشی هندی تصویر معراج حضرت رسول است (تصویر ۵) و یا ملاقات وی با موسی و نظاره کردن آتش جهنم (تصاویر ۶-۷-۸) .

ولی نباید تصور کنیم که الهام مذهبی کاملاً در میان نبوده است . افکار متصوفین که چنان تأثیر عمیقی در شعر فارسی داشته است در نقاشی نیز بخوبی احساس میشود - اگرچه شناخت آن چندان آسان نیست - زیرا متصوفین روابط زندگی عادی را بعنوان شعار (سمبول) انتخاب کرده‌اند و در نتیجه نزد کسانی که صاحب نظر نباشد با شتاب حقیقی تصور میشود - محدودیت‌های دیگر نیز در سبک نقاشی ایرانی هست که هیچ ارتباطی باقیود خارجی ندارد و بنظر میرسد که از تمایل آن نقاشی سرچشمه گرفته است .

برای نشان دادن بُعد سوم هیچ گونه جستجوی نکرده‌اند ، از اثر جو و ابر و سایه روشن یکسان چشم پوشیده‌اند - در این مورد نقاشی ایرانی از مشخصات عمومی هنر آسیائی سهم دارد که همیشه از نشان دادن سایه اجتناب کرده‌اند هرگز شب نشان داده نشده مگر در نقاشی مغولی هند که مستقیماً از نقاشی اروپائی متأثر شده است .

درست است که در منظر سازی ابتدا چینی‌ها و بدنبال آنها ژاپونیها آثار جوی را بخوبی

ترسیم کرده‌اند و مسافت‌ها، مه و ابر را میان کوهها بدرستی نشان داده‌اند ولی در نقاشی‌هایی که مختص صورت‌سازی است، در بیش از صورتهائیکه در يك منظره هست و با منظره‌ای که در آن صورت هست سنن معهود ژاپنی و چینی چندان تفاوتی با سنن هنرمندان ایرانی ندارد، و منظره‌سازی هرگز در نظر ایرانیان رشته مشخصی از نقاشی نبوده و هرگز چون آئینه‌ای برای منعکس‌ساختن احساسات انسانی بکار نرفته‌است - (تصویر ۹) - در چین منظره‌سازی حتی بیش از این بوده‌است. و اقدامی بوده برای نشان‌دادن رابطه انسان و جهان - در نظر آنها زندگی انسان جزئی از طبیعت است و بنابراین طبیعت‌سازی عالی‌ترین انواع نقاشی است.

این خصوصیات متنوع در نقاشی از طرز فکر ملت‌ها سرچشمه میگیرد و در نظر ایرانیان مانند اروپائیان انسان و کارهای او موضوع اصلی و جاذبه قلبی آنست و طبیعت را تنها بعنوان صحنه آن پذیرفته‌اند و بخودی‌خود مطالعه نکرده‌اند.



بالا راست : شکل ۲ - کلیله و دمنه - مکتب سلجوقی - ۶۳۳ هجری

بالا چپ : شکل ۳ - کتاب سمعک عیار - مکتب سلجوقی - قرن ششم

پائین : شکل ۴ - جنگ گودرز و پیران - شاهنامه فردوسی - مکتب هرات - ۸۳۳ - کتابخانه سلطنتی تهران

شکل ۵ - خمسه نظامی . مکتب تبریز - معراج حضرت یغمبر -
منسوب به سلطان محمد



شکل ۶ - نمایندگان عیسی . البیرونی - آثار الباقیه



طرح عمومی يك نقاش ایرانی نشان دهنده کوشش‌های تدریجی برای توافق ظواهر و سازش آن با سنن مفید است هنگامیکه ما به گروه اشخاص صحنه‌ای در يك سطح با چشم نگاه میکنیم ، صورت‌هائیکه در عقب صحنه جا دارد توسط آنهائیکه در جلو مینشینند تاریک شده‌اند - ساده‌ترین وسیله برای اجتناب این نقص و نتیجه زیان آور آن اینست که ردیف دوم (عقبتر) افراد را در سطح بالاتر قرار دهند - حتی اگر لازم باشد تصویر اشخاصی را که در فاصله دورتر مینشینند در يك سطح سوم جای دهند . تدریجاً هنرمندان آسیائی به یکنوع مناظر و مرایای (پرسپکتیو) تجربی رسیده‌اند ، که عبارت است از بالا بردن تصورات بیننده بارتفاعیکه بتواند اشخاص را در سطح‌های مختلف بيك نظر بی‌آنکه آنها را مخلوط بکنند ببینند و افق را نیز در همان حال بالا برده‌اند - نقاشان ایرانی باین طرح عمومی قراردادهای خود را نیز افزوده‌اند ، از جمله علاقه شدیدی داشته‌اند که زمین را با بوته‌های گل و گیاه ، بطرز کم‌وبیش منظمی بی‌توجه باندازه طبیعی آنها زینت کنند - اغلب گلها را نیز بسیار بزرگ کرده‌اند ، هنرمندان ایرانی علاقه دارند که از پشت صخره و سنگ‌هائیکه اغلب برای مشخص کردن پایان منظره رسم میکردند سر و پا نیم‌تنه مردان و زنانی را نشان دهند که بر صحنه نظاره میکنند و یا آنکه سرنیزه و درفش‌های افراشته از پشت کوهها نمایان است بدین وسیله میتوانند نشان دهند که در ماوراء دید ما نیز زندگی و فعالیت ادامه دارد و تصورات انسان را با يك احساس بزرگ نمودن تقویت بکنند (تصویر ۱۰) .

در شاهنامه فردوسی مطلبی است که مکرر مصور شده‌است . و آن صحنه‌ایست که چند نفر

هنگام شب مردی را که در چاهی زندانی است نجات میدهند ، در اینجا هنرمند ایرانی همواره در نظر داشته است که بیننده میخواهد بداند که چه میگردد بنابراین ستاره در آسمان نقش کرده تا بر زیبایی شب بیافزاید - از طرف دیگر اشخاص را در روشنائی کامل رسم کرده چون بیننده میخواهد زندانی را نیز در چاه و همچنین نجات دهندگان او را ببیند بنابراین قسمتی از زمین را برداشته است تا هم چنانکه از پنجره درون اطاق را می بینیم اندرون چاه را نیز ببینیم - برای خورسندی کامل بیننده حتی نکته های باریک را هم فراموش نکرده است . عشق با فسانه پردازی بر تمام نقاشی ایرانی حکم فرماست - ایرانیان علاقه کود کانه ای به عجائب دارند - برای غریبان افسانه گریزی از جهان حقایق به جهان شگفتی هاست ، برای آنها نفس زندگی است . ایرانیان اشیاء را بطوریکه غریزی تمام کودکان سراسر جهان است رسم میکنند - در حالیکه در غرب ما چنان پیرستش حقیقت که از امتیازات ویژه قرون وسطی است و جزو مسلم سنت های فکری ما است و با جستجوی پایان ناپذیر در درک جهانی که در آن زندگی میکنیم خو گرفته ایم که بمحض آنکه

مکتب تبریز - قرون پانزدهم . حضرت موسی غول را اسیر میکند .
حضرت پیغمبر به تخت نشسته و حضرت علی را می پذیرد - حضرت مریم
و بچه . مجموعه خصوصی در پاریس

البیرونی - آثار الباقیه - حضرت پیغمبر - حضرت علی را بجانیشی
انتخاب میکند





شکل ۹ - منظره . مکتب شیراز بتاریخ ۸۰۶

بهر چیزیکه با استانداردهای پذیرفته شده ما مطابق نباشد بر خورد کنیم يك حالت برتری بما دست میدهد ولی قبل از هر چیز هنرمند کسی است که بتواند تازگی دید یک بچه و احساس تعجب او را نشان بدهد .

نقاشان ایرانی صنعتگران ماهری هستند که از انتخاب کاغذ و رنگ مشگل پسندند و مایلند کار خود را بهترین وجهی انجام دهند . اغلب آنها تیکه نسخه های خطی را مصور میکردند صنعتگرانی بیش نبودند که روشی را که آموخته بودند با خورسندی کامل دنبال می کردند - فقط با کمی ترتیب جدید بعوامل معهود و سنن قدیم قناعت میکردند .

ولی نباید يك کتب هنری را با کار شاگردان آن سنجید بلکه شاهکاران استادان را باید ملاک قرار داد . هنرمندان ایرانی باتمام محدودیت هائیکه بایشان تحمیل شده و با همه سنتی که حتی کنجکاوی دقیق کمتر در آن تغییر داده است کامیاب شده اند معجزه هائی از زیبایی برای رضایت جهانیان تهیه کنند .

نقاشان اروپائی اغلب در پی آن بوده اند که جهان قابل رؤیت و لذتی را که از آن دست میدهد فاش کنند . و سنت حتی تا همین اواخر نشان دادن تمام آنچه که می بینند و حفظ مناسبات طبیعی آنها و ادا می کرد .

ولی ایرانیان با آزادی بیشتری مجمل هر چه را که میخواستند از طبیعت انتخاب میکردند -



شکل ۱۰ - خمسه نظامی . مکتب تبریز -
سلطان سنجر وپیرزن

و آنچه را که در حافظه باقیماند بطرز زیبایی در صفحات نقاشی نقش می‌کردند - يك درخت شكوفه‌دار در فاصله دور بصورت يك لکه صورتی یا سفید در می‌آید - بنابراین آنرا از فاصله دور رها کرده و نزدیک چشم قرار میدهند تا نشان بهار و زیبایی آن باشد - در هیچ هنری برخورد زیبایی از ظاهر شدن گل در مقابل آسمان آبی که با سبزی درختان سرو بلند بالا جلوه بیشتری گرفته باشد چنان زیبا نشان داده نشده است .

شاهکارهای امپرسیونیست از تئوریهای آنها که عبارت از ثبت کامل آنچه که بر روی قریبه چشم نقش می‌بندد بدون دخالت فهم و تجربه در آن ، پیروی نمیکنند بلکه بیشتر از ندای يك احساس صوفیانه درك شکوه زیبایی برتر از دید عادی الهام میگیرند . از میان برداشتن مقیاس عادت‌ها و درهم ریختن دید همیشگی جهان و دیدن جهان با بنیان تازه هدف هوشیارانه هنرمندان امپرسیونیست است . و این همان چیز است که لطف طبیعی منسوب بصوفیان نیز میباشد . ایرانیان تمایلی بر احساس صوفیانه دارند که در آن معنای تمام آنچه را که در شکوه پروردگار شريك است که از آن آمده و در آن نیز متمرکز میشود و بیدید آنها حالت وجدی دست میدهد که از احساس سرچشمه گرفته و با اینهمه مافوق آنست - نقاشان ایرانی با اثرات نور چندان توجهی ندارند فقط بستگی دارد با مخالفتی که بآن برخورد میکنند. آنها را شکوه نور جذب نموده و تمام صفحات آنها را یکسان روشن کرده است .